

شست

کدری مریایان



در این شماره می خوانیم:

- مهدی ستیزان (گونه شناسی دشمنان مهدویت)
- مدعیان دروغین مهدویت (بخش دوم)
- گناه؛ خداحافظ امام زمانم

- غریب تر از عطشان کربلا
- قربانی به نام هوای نفس
- ده نکته معرفتی مهدوی
- منادیان یاری حضرت کدام اند؟



« غریب‌تر از عطشان کربلا

السلام علیک یا غریب الغربا

هزار و سیصد و اندی از آن روز غم‌گسار می‌گذرد؛ از خونین‌ترین غروب جهان. آن هنگامه که روضه قتلگاه و خیمه و اسارت و خرابه میهمان مجالس عزا می‌گردد، میلیون‌ها چشم بارانی می‌شود. همگان خون می‌گیرند و بر سر و سینه می‌زنند و اوایلا کنان بر یزید و سپاهیان‌ش لعنت می‌فرستند.

داستان تنهایی و غربت امام حسین (علیه السلام) آتش بر جگرها برمی‌افروزد.

باورش برای همگان سخت است، یعنی میان آن همه جمعیت تنها و تنها هفتاد و دوتن^۱ یار و یاور امام خود بودند؟! یعنی آن هنگام که امام فریاد « هَلْ مِنْ دَابِّ يَدْبُ عَنْ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ »^۲ سر دادند؛ همگان در خواب غفلت به سر می‌بردند؟! «الْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَتْرَ الْمَوْتُورَ»^۳

سلام بر تو! ای کشته ای که خداوند برای تو خون خواهی می‌کند، و پسر کسی که خدا خون خواهی او می‌کند، و ای تنهایی که نزدیکان او کشته شدند.

گرچه پسر فاطمه (سلام الله علیها) وتر الموتور بود ولی تکیه گاه استواری همچون زینب (سلام الله علیها) داشت، تنها بود اما در عین تنهایی اش عباس همراهش بود، قاسم بود، عبد الله و علی اکبرش بودند.

امام حسین علیه السلام یاری همچون خَر داشتند، یآوری که می‌شود معنای واقعی توبه را از رفتارش آموخت، کسی که نفس خودش را قربانی کرد و به آنچه که باید نائل آمد.

با این وجود همگی ما غربت و تنهایی و مظلومیت امام حسین علیه السلام را پذیرفته‌ایم و بر آن اقرار می‌ورزیم، اما...

وای بر ما از آن دل خونین غریب امروزمان؛ هم او که شریک و طریک و فرید و وحید است.^۴

أمولای غریب و تنهای من! مضطر فاطمه علیها السلام!

اسیر آل محمد صلی الله علیه وآله! پدر مهربان اهل عالم!

من از تصویر این غربت و غم ناتوانم و سخت متحیرم که کدامین مصرع از این مثنوی «هفتاد من کاغذ» را بازخوانی کنم.

از کجا آغاز کنم؟ از خود بگویم یا از دیگران؟ از نسل‌های گذشته بگویم یا از نسل امروز؟ از دوستان شکوه کنم یا از دشمنان؟ از عوام گلایه کنم یا از خواص؟

این شکایت را به کجا بریم که نه تنها بی‌خبران دور از آبادی، حتی برخی مومنان و مقدسان نیز شنیدن از غربت حضرت بقیة الله علیه السلام را تاب ندارند.

خدایا! عجب حجاب ضخیمی و چه غربت عجیبی؟!!

احتمالاً برخی خواهند پرسید: مگر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) هم غریب است؟ شاید برخی دیگر، به کار بردن این گونه تعبیر را فاقد مبنای اعتقادی و از موضع احساس و برخاسته از ذوق نویسندگان بدانند شاید برخی نیز اساساً طرح چنین موضوعاتی را خارج از عرف تلقی کرده و آن را نپسندند؛ چرا که ما به طور معمول، از غربت سایر ائمه (علیهم السلام) مطالب زیادی شنیده و می‌شنویم، اما به غربت امام زمان (علیه السلام) کم‌تر اندیشیده و یا اصلاً فکر نکرده ایم و این خود، اولین بیت از این مثنوی «هفتاد من کاغذ» است.

نا آگاهی از غربت اما عصر (عجل الله تعالی فرجه) یا باور نداشتن غربتشان و یا غفلت از این غربت، بزرگترین وجه از «غریبی» امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) است.^۵

تجلی این غربت را در ادعیه و زیارات و روایات رسیده از معصومین می‌توان مشاهده کرد، آن‌جا که امام صادق (علیه السلام) به مفضل می‌فرماید: «ای مفضل، او تنها ظهور می‌کند؛ به تنهایی وارد مسجد الحرام می‌شود؛ به تنهایی به دامن کعبه دست می‌یازد؛ تاریکی شب همه جا را فرا می‌گیرد و او همچنان تنه‌است...»^۶

در حدیث دیگری حضرت علی (علیه السلام) تصریح می‌کنند به این که او غریب است:

سِأ تِیَ اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ وَ يَمْلِكُ مَنْ هُوَ بَيْنَهُمْ غَرِيبٌ...

خداوند، گروهی را می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست می‌دارند و کسی که در میان آنان غریب است، بر آنان حکومت می‌کند.^۷

اینجاست که سخن مرحوم آیت الله شیخ علی اکبر اللمهانی را به یاد می‌آوریم که فرمود: «تحمّل زندگی با مشقت، از مرگ و شهادت سخت‌تر است! و چرا چنین نباشد! دلاور مردی که برای دفاع از حق، در خون خود فرو می‌غلطد و به آنی یا ساعتی زندگی دنیا را بدرد می‌گوید تا در نعیم جاودان الهی متنعّم گردد، بارها آسوده‌تر از فرزنددی است که باید سالهای سال در غربت و انزوا با لحظه لحظه عمر خویش یادآور شهادت و رسالت او باشد».

اینک بیش از یازده قرن از عمر مقدس حضرت ابوالصالح مهدی علیه السلام می‌گذرد. انتظار در نفس خود از سخت‌ترین حالات انسانی است. با آنکه می‌دانیم در طی این قرون چشم‌های مقدس او شاهد و ناظر چه فجایع سخت و صعبی بوده است.

مشاهده‌ی این همه قتل عام‌ها، تجاوزها، حق‌کشی‌ها، آوارگی‌ها و... به تنهایی کافی است تا سخن صائب تبریزی را بپذیریم که گفت:

«گرم است آفتاب روز قیامت ولیک نیست سوزنده تر ز سایه دیوار انتظار»^۸

نرگس زراعتکار

۵ آشنایی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه / نویسنده: دکتر علی هراتیان

۶ (بخارا، جلد ۵۳، ص ۷)

۷ روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۰۸ (به نقل از منابع الموده، ج ۳، ص ۱۳۱).

۸ سایت تبیان؛ چرا امام زمان (علیه السلام) مظلوم‌ترین فرد عالم است؟

۱ شاید این شهرت گفتار شیخ مفید در الارشاد باشد که تعداد سرهای جداشده‌ی شهدای کربلا را (به جز سر امام حسین ع) ۷۲ سر می‌داند.

۲ سید بن طاووس، اللهوف، ۱۳۴۸ ش، ص ۱۱۶.

۳ زیارت عاشورا

۴ (کمال الدین، جلد ۱، باب ۲۶، ح ۱۳).

امام علی علیه السلام: چه بسیار عقلهایی که در اسارت هوای نفس فرمانده، قرار گرفته است

قسمتی حکمت ۲۱۱ نهج البلاغه



«قربانی به نام هوای نفس»

چگونه هوای نفس خود را قربانی کنیم؟ مطابق آموزه‌های دینی، آدمی در مسیر تکاملی خود با دشمن درونی به نام نفس اماره در ستیز است.

به تعبیر قرآن کریم ویژگی نفس اماره، امرکننده به بدی و زشتی است: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ: به درستی که نفس (سرکش) بسیار به بدی‌ها امر می‌کند» (یوسف/۵۳).

منظور از نفس که دشمن انسان است، «آن دسته از گرایش‌هایی است که مانع ترقی روح انسان و تقرب به سوی خداست» (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ب، ج ۱: ۱۱۸)

پیامبر اسلام (ص) به دشمنی نفس تصریح فرموده است: «أَعْدَىٰ عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ: دشمن‌ترین دشمنان نفس توست که میان دو پهلوئی توست» (مجلسی، ۱۳۸۶ق، ج ۷۱: ۶۴).

واضح است که ایجاد زندگی سالم و پیشروی به سوی کمال مطلوب که فطرت آدمی آن را خواستار است وقتی تحقق می‌پذیرد که انسان توان مقابله با نفس اماره را داشته باشد و در میدان ستیز و مبارزه با او زانو نزند، چون در صورت عدم توان مقابله با دشمن داخلی (نفس اماره) و تبعیت از او، آدمی هویت انسانی خویش را می‌بازد و از سلک انسانیت خارج می‌شود و در مسیر حیوانیت گام می‌نهد، بلکه بدتر از چهارپایان می‌شود: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ: آن‌ها همچون چهارپایانند، بلکه گمراه‌تر» (الأعراف/۱۶۹).

اهمیت مقابله و جهاد با نفس

قبل از بیان مهارت‌ها؛ مباحث اهمیت مقابله با نفس، مفهوم‌شناسی نفس، وجوه استعمال واژه ی نفس در قرآن، مراتب نفس و مردم و خواسته‌های نفسانی مطرح می‌شود. با مروری اجمالی به آیات کریمه و روایات معصومین (علیهم‌السلام) اهمیت مقابله و جهاد با نفس آشکار می‌گردد که در این نوشتار به سه آیه و دو روایت استناد می‌شود.

۱- «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ... ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را بپرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید...» (التحل/۳۶).

در این آیه فلسفه ی مشترک بعثت پیامبران، عبودیت و بندگی آدمی خوانده شده است. روشن است که عبودیت و بندگی خداوند وقتی تحقق می‌پذیرد که آدمی از خواسته‌های نفسانی و طاغوت اجتناب نماید، چنانکه در ادامه ی آیه به ضرورت اجتناب از طاغوت (درونی و بیرونی) تصریح نموده است.

۲- «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ... و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها می‌خواند و آن‌ها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد...» (الجمعه/۲).

در این آیه یکی از اهداف بعثت پیامبر اسلام (ص) را تزکیه‌ی

در پیشینه ی بررسی موضوع غلبه و جهاد با نفس اماره بحث‌هایی با اهمیت در کتب اخلاقی و نیز در کتب تفسیری ذیل آیات مربوط به آن صورت گرفته است که زحمات نویسندگان قابل تقدیر است.

نوآوری این نوشتار دسته‌بندی جدیدی در استخراج و معرفی مهارت‌های قرآنی غلبه بر نفس اماره با استناد به آیات متعدد قرآنی و همچنین رابطه ی مهارت‌های ارائه شده با غلبه بر نفس اماره می‌باشد.

سؤال اصلی که ما در این بخش از نوشتار در پی پاسخ آن هستیم (که البته هر زن و مرد، پسر و دختر، پیر و جوان با آن روبرو هستند) این است که قرآن کریم چه نوع مهارت‌ها و راه‌کارهایی را برای غلبه نمودن بر نفس اماره (امیال نفسانی) ارائه داده است تا آدمی در پرتو آن مهارت‌ها هویت انسانی خویش را از گزند نفس اماره حفظ کند و به سوی کمال مطلوب فطری خویش پیش رود.

بر مبنای این سؤال اصلی، سؤالات فرعی دیگری نیز مطرح است که عبارتند از:

- ۱- رابطه مهارت‌ها با غلبه بر نفس اماره چیست؟
 - ۲- آیا انسان‌ها و مرتبان با مهارت‌های قرآنی غلبه بر نفس اماره آشنایی دارند؟
- با توجه به سؤالات مطرح شده، تلاش شده تا با معرفی مهارت‌های قرآنی غلبه بر نفس اماره زمینه‌های اجرایی و راهکار برای انسان‌های خواستار مطلوب فطری و مرتبان تربیتی ارائه شود.

«ده نکته معرفتی مهدوی»

«عدالت محوری و ظلم ستیزی»

۱ عدالت محوری و ظلم ستیزی دو ویژگی برجسته در زمینه اخلاق اجتماعی منتظران است و ظلم ستیزی روی دیگر عدالت خواهی است، گاه افراد ادعای عدالت محوری دارند اما در کمال تعجب می بینیم که اگر بحث ظلم ستیزی مطرح شود، همین افراد دچار تردید می شوند، حال آنکه در واقع افرادی که عدالت محور هستند قطعاً ظلم ستیزند.

۲ امیرمومنان (ع) که فرمود «بهترین عدالت، یاری ظلم دیده است». تا زمانی که معنای ظلم و عدالت و مصادیق و معیارهای آن را نشناسیم، حتی ممکن است به نام عدالت، مرتکب ظلم شویم.

۳ کسانی که جایگاه امام را نمی شناسند چه بسا ممکن است مانند زمان امیرالمؤمنین علی (ع) به نام عدالت، با مظهر عدل به مبارزه و ستیز برخیزند.

۴ در زمان غیبت امام زمان، شاقول تشخیص ظلم از عدالت است عالمان دینی هستند زیرا امام زمان فرموده اند که در حوادث واقعه و پیشامدهای روزگار به علمای ربانی آگاه به سخنان ایشان و ولی فقیه که مباحث اجتماعی حاکمیت جامعه اسلامی را بر عهده دارد، باید مراجعه شود. (گفتگوی خبرگزاری ایکن با حسن ملایی)

«منتظران واقعی»

۵ اگر ما منتظر واقعی هستیم و معتقدیم می خواهیم جامعه ای با شرایط خاص برای رسیدن به هدفی متعالی بسازیم، اولین چیزی که باید متحول شود درون خود ماست. (کتاب انتظار ضابطه حرکت بر صراط مستقیم)

۶ در مسیر آرمان دستیابی به حاکمیت توحید به وسیله امام عصر عج باید منتظر بود، ولكن، ستون خیمه انتظار با صبر و استقامت است که فرمودند: انتظار الفرج بالصبر (تحف العقول، ص: ۴۱۶)

۷ در معنایی لطیف از حدیث فوق می توان گفت که برای گشایش و فرج، مثل حضرت زینب ع، منتظر فرج باشید؛ به بیانی دیگر: انتظار فرج داشته باشید با اسوه صبر، زینب (س)! (استاد حسن ملایی)

۸ انتظار فرج داشتن یعنی: انتظار در رکاب امام بودن و جنگیدن و احیاناً شهید شدن، یعنی آرزوی واقعی و حقیقی مجاهد بودن در راه حق (آزادی معنوی، ص ۱۷۳).

۹ انتظاری واقعی و با ارزش است که انسان برای پیروزی و عظمت اسلام و گسترش آن در انتظار فرج باشد و ظهور حضرت مهدی (عج) را بخواهد. این انتظار با ارزش و انتظاری واقعی است و روایات بر ارزش والای آن دلالت دارد (بر درگاه دوست، ص ۱۴۳).

۱۰ اگرچه در سایه حکومت و انقلاب جهانی حضرت حجت (عج) امنیت و آسایش و وفور نعمت و نابودی ظلم و ظالمان و از بین رفتن فقر و بدبختی حاصل می شود، لکن اینها نباید انگیزه اصلی مؤمن برای انتظار فرج آن حضرت باشد (بر درگاه دوست، ص ۱۴۳).

محمد رضا محمد پور

این موضوع اشاره دارد به اینکه اگر قدرت محو کردن جنبه حیوانیت خود را ندارید؛ پس دست کم با روزه گرفتن، مقام حیوانی را تضعیف و ناتوان کنید. همان گونه که قوای عقلانی خود را قوی و نیرومند می کنید، نفس های خود را بکشید که فرمود: «فاقتلوا انفسکم». مقام حیوانی را بکشیدنه روح و عقل را.

تویی که نمی توانی حیوانیت خود را بکشی، به جای آن حیوانیت که در وجود تو است، حیوان دیگری را بکش که حکایت این معنا را بکند.

در منا توجه به این معنا داشته باش که اگر حیوانیت خود را می یافتیم، آن را سر می بریدیم و می کشتیم؛ حالا این حیوان را به جای او می کشم. (اسرار و معارف حج، ص ۴۰-۴۱)

هست روز عید و خلقی می شود قربان تو هر که قربانت نمی گردد ز حیوان کمتر است

یکی از تجلیات و نشانه های مقام حیوانی، وجود و غلبه هواهای مختلف نفسانی و هوس های بی شمار شهوانی است و قربانی رمزی از تزکیه نفس و تهذیب روح و نموداری از کشتن نفس پلید و تطهیر درون از این صفات شیطنانی است.

پس انسان همراه با «هدی»، باید نفس خود را نیز بکشد و هواهای خویش را سر ببرد تا فریب دنیا و شهوات را نخورد و از آفریدگارش مهجور نگردد. سفارش حضرت صادق (علیه السلام) به حج گزاران این است که: «و اذبح حنجرتی الهوی والطمع عند الذبیحة»؛ (امام صادق علیه السلام)، مصباح الشریعه، ص ۴۹.

«هنگام قربانی، گلوی هوای نفس و طمع را قطع کن»، حج گزار می داند که قربانی در منا یعنی؛ کنار نهادن تمامی علایق مادی، آلودگی های نفسانی، تمایلات پست، خواسته های نا به جای شهوانی و وسوسه های شیطنانی و او منا را مقتل و مذبح هواهای نفس و پلیدی های درونی می داند و از همان جا تصمیم می گیرد هر چه غیر خدا است، از خود دور کند و بر شیطان برون و درون چیره گردد.

از دیدگاه عرفا کشتن گوسفند، صورت مجسم ذبح نفس است، با این تفاوت که ذبح گوسفند ارتقا به مقام اعلانیست و انسان از ذبح نفس، به مقام «کمال انسانیت» می رسد و اهلیت قرب پیدا می کند؛ چنان که مولا احمد نراقی سفارش می کند: حج گزار چون ذبح قربانی کند، یاد آورد که این ذبح، اشاره به آن است که به سبب حج، بر شیطان و نفس اماره غالب گشتم و آن ها را کشتم و از عذاب الهی فارغ شدم. (فاضل نراقی، احمد، معراج السعاده، ص ۷۱)

«الهام فدایی»

منابع:

– کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق، غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، ج ۱، ص ۱۷، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

– منسوب به امام صادق (ع)، مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة، ص ۱۰۳، بیروت، اعلمی، چاپ اول، ۱۴۰۰ق.

– لیثی واسطی، علی بن محمد عیون الحکم و المواعظ، محقق، مصحح، حسنی بیرجندی، حسین، ص ۲۱۷، قم، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.



منادیان یاری حضرت کدام‌اند؟

السلام علیک یا صاحب الزمان

سلام بر ثانیه‌های دیوانه وار جمعه، ثانیه‌هایی که نه صبر سرش می‌شود نه تحمل وبسان زمین شیفته‌ی عصای محبتت هست که آن را لمس کند.

بی تاب است و دست از چرخش بر نمی‌دارد، وقتی دلیلش را جویا می‌شوی می‌گوید به امیدی می‌چرخم.

خوب گوش کن، نوایش را می‌شنوی! چه بی قرار و بی تاب ذکر می‌گوید، مثل مجنونی که برای لیلی اش شعر می‌گوید؛ غزل اللهم کن لولیک الفرج را می‌سراید.

تپش قلبش تند تر شده است، دلش برای مالک اشتر هایت تنگ شده، تشنه ی شنیدن صدای الله اکبر بلال هایت هست، صبر ایوب که ندارد!

وقتی دلش برایت تنگ می‌شود بغض می‌کند پس اجازه نده که این بغض طول بکشد و آسمانش ابری شود.

ظهور حضرت صاحب نیازمند فراهم شدن شرایطی است که یکی از آنها وجود ۳۱۳ یار با وفا است.

یارانی که پای عهد خود با امامشان مانده اند و برای ارزنده ترین هدفشان؛ یعنی پای در رکاب بودن حضرت تاپای جانشان ایستاده اند.

با توجه به روایات منقول از معصومین و همچنین با استناد به آیات قرآن کریم می‌توان ویژگی‌هایی در مورد یاران خاص و با وفای حضرت مهدی موعود (عج) بیان کرد و آن‌ها را الگو و معیار زندگی خود قرار داد که در اینجا به بخشی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

این ویژگی‌ها را بر اساس روایات در سه محور کلی می‌توان مورد بررسی قرار داد:

۱- ویژگی‌های ظاهری:

در پاره‌ای از روایات درباره مشخصات ظاهری آن‌ها از قبیل اسامی و شهرشان ذکر شده است.

همچنین درباره خصوصیات ظاهری آن‌ها، روایاتی هست که

محدوده سنی آن‌ها را بیان کرده و اکثریت را جوان معرفی می‌کند. به عنوان نمونه امام علی (ع) می‌فرماید:

یاران قائم همه جوان اند و پیرمرد در میان آنان نیست مگر مانند سرمه در چشم و نمک در غذا، و کم‌ترین چیز در غذا نان است ((أَصْحَابُ الْقَائِمِ شَبَابٌ لَا كَهَوْلَ فِيهِمْ، إِلَّا مِثْلَ الْكُخْلِ فِي الْعَيْنِ وَالْمِلْحِ فِي الرَّأْسِ، وَأَقْلُ الرَّأْسِ الْمِلْحُ)) (۱)

بعضی دیگر از روایات به رنگ، قد و اندازه، زیبایی و لباس و جنسیت پرداخته است و پاره ای دیگر از روایات به قدرت بدنی آنان پرداخته و می‌فرماید:

چون امر ظهور حضرت واقع شد به هر انسان از یاوران ایشان نیروی چهل مرد داده می‌شود ((أَنَّهُ لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ، أُعْطِيَ الرَّجُلُ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا...)) (۲)

۲- ویژگی‌های نفسانی:

روایات متعددی به تبیین ویژگی‌های معنوی و نفسانی یاران خاص امام زمان (ع) پرداخته‌اند. خصوصیاتمانند علم و معرفت، ایمان، مشیت الهی، طهارت و تقوا، زهد، بینش و بصیرت، عبادت و بندگی، توجه به خدا، دعا و ذکر و نیایش و استغفار، شب زنده داری، شرح صدر، صبر و شکیبایی و... این هابری از خصلت‌های معنوی و نفسانی یاران خاص حضرت مهدی (عج) هستند که در روایات به آن اشاره شده است و ما در اینجا به تعدادی اشاره می‌کنیم.

۱. ایمان: در نظام حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)، ایمان عنصری است که بیش از دیگر عناصر اهمیت دارد و آن حضرت مؤمن ترین افراد را برای حکومت جهانی اش برگزیده است.

گاهی از این ویژگی در روایات به صراحت یاد شده و به عنوان مؤمنان حقیقی مورد ستایش قرار گرفته است. چنانکه امام باقر (ع) می‌فرماید: بدانید که آن‌ها مؤمنان حقیقی اند ((أَلَا هُمْ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا...)) (۳)

بر این اساس یاران خاص حضرت از تمام اوصافی که در قرآن برای (مؤمنان حقیقی) بیان شده است برخوردار خواهند بود.

۲. طهارت و تقوا: یک رکن مدیریت ایده آل؛ حفظ طهارت و تقوا، پاکیزگی در عمل و اجتناب از هر گونه اختلاط با اهداف غیر مشروع یا اهداف غیر مقبول و غیر اخلاقی است. مدیر خوب، مدیری است که هر کاری را بر عهده می‌گیرد، آن را با رعایت اصول اخلاقی صحیح انجام دهد.

یاران خاص حضرت مهدی (عج) به جهت برخورداری از طینتی پاک و طهارت و تقوایی ستودنی از انواع فساد که حکومت‌ها دچار آن می‌شوند، مبرا هستند.

فساد مالی، فساد کاری، قرارهای نامشروع و ناموجه در زمینه‌های مسائل کاری و جاذبه‌های دنیایی دل آنان را نمی‌لرزاند و تاثیری در آنان ندارد.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

خداوند با دست قدرت خود بر شکم و پشت آن‌ها می‌کشد، دیگر هیچ حکمی بر آن‌ها دشوار نمی‌نماید ((يَمْسُحُ اللَّهُ بَطُونَهُمْ وَ ظُهُورَهُمْ فَلَا يُشْكِلُ عَلَيْهِمْ حُكْمٌ)) (۴)

۳. علم و معرفت: حکومت مهدوی از تمام آنچه لازمه مدیریت ایده آل است، برخوردار می‌باشد، از جمله شاخصه‌های مهم در این عرصه علم و دانش است.

یاران خاص حضرت مهدی (عج) در حوزه مسئولیتی خویش با مدیریت علمی به پیش خواهند رفت. جالب این است که مدیریت علمی آنان بر اساس موازین اسلامی و منطبق بر کتاب و سنت است.

آنان از نظر علمی در بالاترین درجه قرار دارند و از جام حکمت الهی و معرفت دینی به طور شایسته سیراب گشته‌اند.

۴. معرفت الهی: یاران خاص حضرت، علاوه بر توانمندی‌های مدیریتی، اهل سیر و سلوک معنوی هستند و از مراتب بالای معرفت الهی برخوردارند که به این ویژگی با تعبیرهای مختلفی در روایات اشاره شده است.

روح برادری، اعتماد، همدلی و یک رنگی بر آنان حاکم است. به یکدیگر عشق می ورزند و با هم مهربانند و خیرخواه یکدیگر هستند. رابطه دوستی آنها چنان مستحکم است که گویی برادران تنی و از یک پدر و مادرند ((كأَنَّمَا رَبَّاهُمْ أَبٌ وَاحِدٌ وَ أُمٌّ وَاحِدَةٌ قُلُوبُهُمْ مُجْتَمِعَةٌ بِالْمَحَبَّةِ وَالنَّصِيحَةِ)) (۹)

۷. روحیه حماسی و سلحشوری: یاران مهدی (عج) در شجاعت و دلیری و نترسی بی نظیرند. روحیه ای حماسی و سلحشوری دارند ((هُم كَرَّاءُونَ...))

آنان سپاه غضب و مظهر خشم الهی اند که در آخر الزمان برای یاری حضرت مهدی (عج) خواهند آمد ((جَيْشُ الْغَضَبِ قَوْمٌ يَأْتُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ...)) امام صادق (ع)

برای در هم شکستن ظلم و استکبار با شعار انتقام از خون امام حسین (ع) به راه می افتند. ابتهت و آوازه آنها جلوتر از خودشان حرکت می کند و در دل دشمنان اسلام رعب می افکنند. رعب و وحشت آنها یک ماه جلوتر از خودشان پیش می رود و خداوند به وسیله آنها امام زمان (ع) را یاری می کند.

((شَعَارُهُمْ: يَا لَأَثَارَاتِ الْحُسَيْنِ! يَسِيرُ الرَّعْبُ أَمَامَهُمْ مَسِيرَةَ شَهْرٍ... بَهُمْ يَنْصُرُ اللَّهُ إِمَامَ الْحَقِّ)) (۱۰)

۸. عدالت پیشگی و دادگری: از ماموریت های یاران خاص آن حضرت اجرای عدالت در ممالک است. امام کاظم (ع) در تفسیر آیه شریفه ((يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا)) فرمود:

نه اینکه خداوند زمین را با باران زنده کند، بلکه مردانی را بر می انگیزد تا عدالت را زنده کنند و زمین در پرتو آن عدالت زنده می شود.

اگر یاران حضرت مهدی (عج) خود عادل نباشند چگونه خواهند توانست عدالت را در جهان برقرار کنند.

((ذات نیافته از هستی بخش / کی تواند که شود هستی بخش)).

آنها در همه عرصه ها الگو و نمونه اند. آنجا که به عنوان فرماندهی لشکر حضرت مهدی (عج) انجام وظیفه می کنند از تمام ویژگی های لازم در قالب یک فرماندهی لشکر اسلام برخوردارند و در قلوب مؤمنان عالم جای دارند. هنگامی که به عنوان سربازی فداکار و شجاع در رکاب امام زمان شان هستند، چون پروانه ای بر محور شمع وجود رهبر و مقتدای شان می گردند، دل داده ای اویند، در برابر او تسلیم محض هستند و ولایتمداری را در عقیده و اخلاق و عمل عینیت می بخشند. وقتی که به عنوان کارگزار حکومت جهانی انجام وظیفه می کنند، شیفته خدمت اند نه تشنه قدرت، بی پیرایه اند، زندگی آنان در حد افراد معمولی است، بر محور عدالت حرکت می کنند. آنجا هم که به عنوان شهروند جامعه جهانی هستند مطیع قانون مهدوی اند.

انشالله که بتوانیم با پیروی و مد نظر قرار دادن این معیارها و خصوصیات در رکاب آن حضرت قدمی برداریم.

[رضا امینی]

منابع:

(۱) الغيبة للطوسی، ص ۴۷۶

(۲) کتاب الوافی، ج ۲، ص ۴۵۶

(۳) مبارکه انفال، آیه ۴

(۴) الملاحم الفتن، ص ۳۵

(۵) الفتوح

(۶) میزان الحکمة، ج ۵، ص ۵۷۶

(۷) تفسیر اهل بیت علیهم السلام، ج ۶، ص ۷۵۰

(۸) الملاحم الفتن، ص ۵۲، چاپ نجف

(۹) الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۰۰

(۱۰) حار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸



انتظار یعنی ترقب، یعنی مترصد یک حقیقتی که قطعی است، بودن؛ این معنای انتظار است. انتظار یعنی این آینده حتمی و قطعی است؛ بخصوص انتظار یک موجود حی و حاضر؛ این خیلی مسئله مهمی است. اینجور نیست که بگویند کسی متولد خواهد شد، کسی به وجود خواهد آمد؛ نه، کسی است که هست، وجود دارد، حضور دارد، در بین مردم است.

و جبروت و حشمت ظاهری ندارند. با دبدبه و کبکبه ظاهری و تشریفات چشم پرکن غریبه هستند.

ظاهر آنان نشان نمی دهد که جزو اصحاب خاص حضرت مهدی (عج) هستند.

اگر در هشت سال دفاع مقدس کسی شهید همت، شهید باکری، شهید خرازی و دیگر سرداران رشید اسلام را می دید باورش نمی شد که فرمانده لشکر و فدایی راه امام راحل (ره) هستند.

۲. جدیت در کار و تلاش روزانه: یاران حضرت مهدی (عج) به تعبیر شهید بهشتی شیفتگان خدمت اند نه تشنگان قدرت. چنانکه در حدیثی دیگر امام صادق (ع) به مفضل می فرماید:

آنها در مبارزه نیز همواره آماده و جدی هستند و در این راه دست از سلاح بر نمی دارند تا خدا راضی شود ((لَا يَكْفُونَ سُبُوقَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ)) (۷)

۳. ساده زیستی: یکی از نقاط ضعف در مدیریت مدیران، روحیه اشرافیگری است. اشرافیگری به تعبیر مقام معظم رهبری برای یک کشور آفت است، ولی اشرافیگری مسئولان، آفت مضاعف است.

یاران خاص حضرت مهدی (عج) زندگی معمولی دارند. روند زندگی آنها به سمت تنعم و تجمل پرستی نیست. آنها با امام شان پیمان بسته اند که همانند او ساده زندگی کنند؛ غذای ساده بخورند؛ لباس ساده بپوشند؛ وسیله نقلیه معمولی سوار شوند؛ به مقدار کم قانع باشند.

۴. ولایت مداری: یاران حضرت، امام خود را به شایستگی می شناسند و به او اعتقاد دارند ((الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ)). از این رو، به امام شان عشق می ورزند و دل های آنان از محبت مهدی (عج) لبریز است. بر لوح دل آنان جز الف قامت مهدی (عج) نوشته ای نیست. این شیدایی به حدی است که برای تبرک دست بر زین اسب امام می کشند و تبرک می جویند. آنها به هنگام نبرد پروانه وار شمع وجود مهدی (عج) را در میان می گیرند و از او محافظت می کنند ((يَتَمَسَّحُونَ بِسَرِّجِ الْإِمَامِ يُطَلَّبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَةَ وَ يَحْفُونَ بِهِ يَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحَرْبِ...)) (۸)

مطیع امر امام شان اند و شیفته وار در انجام آن بر می آیند.

۵. انضباط و روحیه تشکیلاتی: ستاد فرماندهی حکومت جهانی مهدی (عج) از انضباطی آهنین، نظامی منطقی و روحیه تشکیلاتی برخوردارند. معنا ندارد غیر از این باشد؛ چرا که آنان می خواهند دنیا را به نظم و انضباط وادارند و انسجام جهانی ایجاد کنند.

۶. اتحاد و انسجام و برادری: یاران خاص حضرت برگزیدگانی هستند که خداوند قلوب آنها را به یکدیگر گره زده است ((يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَهُمْ...)) ((يُؤَلِّفُ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ...)).

امام باقر (ع) و امام صادق (ع) به نقل از حضرت علی (ع) در توصیف آنان می فرمایند:

مردانی که خدا را به حق شناخته اند، آنها یاوران حضرت مهدی (عج) در آخر الزمان هستند ((... رَجَالٌ عَزَفُوا اللَّهُ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ، وَ هُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ)) (۵)

اما از بعضی روایات هم برداشت می شود که آنها بر اثر عرفان عملی به مراتبی رسیده اند که قدرت تصرف در عالم را دارند.

۵. معنویت: پشتوانه انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) معنویت است. حضرت مهدی (عج) در مورد یاران خود روی قدرت معنوی و اراده ناشی از ایمان و انسانیت، تکیه می کند و به آن اهمیت می دهد. از این رو، در هر موقعیتی آنان را به تعبد و تضرع سفارش می کند، تا هدف را فراموش و مقصد را گم نکنند و پیروزی های پیاپی آنان را به غفلت و غرور دچار نسازد. همواره پیروزی را از جانب خدا بینند و مناجات و نماز را کلید نصرت او بدانند.

عبادت و بندگی؛ نماز و روزه، ذکر خدا، تلاوت قرآن، شب زنده داری، تضرع و راز و نیاز با خدا، ارتباط دلها با خدای متعال، خدا را هدف قرار دادن، فریب ظواهر را نخوردن، دلبسته نشدن به زر و زیور دنیا و اموری دیگر از این قبیل معرف معنویت و بنیه ی معنوی یک انسان و با مجموعه ای از انسان ها هستند و یاران خاص حضرت مهدی (عج) از همه جهات ذکر شده برخوردارند.

۶. بصیرت: یاران مهدی (عج) از شمه سیاسی فوق العاده بالا، آگاهی به زمان و مکان، تحلیل سیاسی از مسائل جهانی و در یک کلمه از بصیرت و روشن بینی قابل توجهی برخوردارند.

۷. دارای قدرت روحی و صبر و شکیبایی: جنگ با مستکبران عالم و در افتادن با کفر و شرک و نفاق تحملی بسیار بالا می خواهد، باید کسانی باشند که از زیر بار مشکلات ناشی از آن خم به ابرو نیاورند. یاران خاص حضرت، دلی دریایی دارند، امواج متلاطم شداید و سختی ها دل آنان را نمی لرزاند ((قُلُوبُهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ)).

۸. روحیه شهادت طلبی: یاران حضرت مهدی (ع) شیفته لقای الهی و عاشق شهادت اند و آرزومی کنند که در راه خدا به شهادت برسند ((... يَتَمَنَّوْنَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ)) (۶)

۳- ویژگی های عملی و رفتاری:

از خصوصیات عملی یاران خاص حضرت را می توان در محورهای زیر مورد بررسی قرار داد.

۱. سادگی و بی پیرایگی: یاران حضرت مهدی (عج) جلال

حقایق دین اسلام درباره این مکتب، پژوهش می‌کنند؛ اما گروه دوم مانند گلدتسیهر، جیمز دارمستتر و فان فلوتن در جهت اهداف شوم امپریالیسم فرهنگی به مطالعه و تحقیق درباره اسلام می‌پردازند و به دنبال تضعیف مبانی اسلام و سست نشان دادن معارف اسلامی هستند.

۵. مدعیان دروغین

در طول تاریخ اسلام و به ویژه در سده اخیر، کسانی ادعای مهدویت داشته‌اند و با این ادعا گروهایی از مردم را به سوی خود دعوت نموده و آن‌ها را از مسیر صحیح مهدویت اسلام منحرف کرده‌اند.

البته گروهایی نیز هستند که نه با قصد مهدی ستیزی، بلکه به دلیل جهل و نادانی و گرایش به افکار غلط و ارتجاعی، مانع پویایی مکتب شیعه و حرکت شیعیان در مسیر زمینه سازی ظهور می‌شوند. این‌ها با برداشت‌های نادرست از روایات، هر حرکت انقلابی پیش از قیام امام زمان(عج) را باطل دانسته و با همین تفکر انحرافی با انقلاب اسلامی و نهضت امام خمینی مخالفت کردند.

ریشه‌های مهدی ستیزی

نفی مهدویت و ستیز با این آرمان بزرگ الهی و انسانی، عوامل و ریشه‌های گوناگونی دارد، به بررسی برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

۱. جهل و نادانی:

در اسلام، ریشه بسیاری از مخالفت‌های مردم با پیامبران، نادانی آن‌ها دانسته شده است.

در مبحث مهدویت نیز گاهی نادانی و ناآگاهی از مقام امامت و صفات امام و اهداف و آرمان‌های موعود منتظر، سبب دشمنی و ستیز با فرهنگ مهدویت و انتظار شده است.

۲. دنیا خواهی و منفعت طلبی:

مهدویت جریان زمینه ساز عبودیت و بندگی خداست و امام مهدی(عج) آن موعود الهی است که به همه ستم‌ها، حق‌کشی‌ها و هوس‌های حرام، پایان داده، به جای بی‌عدالتی‌ها، دادگری و عدالت را رواج خواهد داد.

بدیهی است آن‌ها که برای انسان و جهان، هدفی جز خور و خواب و شهوت نمی‌بینند با هر حقیقتی که با هدف دنیایی آن‌ها منافات داشته باشد، مخالفت و دشمنی می‌کنند.

۳. تعصب باطل:

اسلام پیوسته انسان را به تفکر و اندیشه دعوت کرده است. قرآن نیز ارزش آدمی را به تعقل و خردورزی او دانسته است و افرادی را که به دلیل تعصب باطل بر راه غلط نیاکانشان، پافشاری می‌کنند نکوهش کرده است. بخشی از دشمنی‌ها با جریان مهدویت، ریشه در همین خصلت زشت دارد. وهابیت که خود را به اسلام نسبت داده است با نفی سایر مذاهب اسلامی هر عقیده‌ای جز عقاید خود را باطل می‌شمارد.

۴. خودمحوری و استکبار

مستکبران عالم که به دنبال سلطه بر مستضعفان و سرنوشت آن‌ها هستند با جریان مهدویت که جریان مبارزه با ظالمان و ستم‌گران است دشمنی می‌کنند و این دشمنی به دلیل خوی استکباری و روحیه ستمکاری آن‌هاست. مقام معظم رهبری در این باره فرموده است: قدرت‌های استکباری، خواهان غفلت و خواب آلوده بودن و نیز عدم تحرک ملت‌ها هستند و چنین وضعی را بهشت خود می‌دانند؛ اما انتظار فرج، موجب می‌شود که انسان به وضع موجود قانع نباشد و بخواهد به وضعی بهتر دست پیدا کند.

[سینا شعاعی]

منبع: کتاب نگین آفرینش (۲)

مؤلفان: محمد امین بالادستیان

محمد مهدی حائری پور و مهدی یوسفیان



مهدی ستیزان (گونه‌شناسی دشمنان مهدویت)

۱. صهیونیسم مسیحی:

این گروه به بخشی از مسیحیان پروتستان گفته می‌شود که معتقدند یکی از شرایط مهم ظهور مسیح به عنوان موعود جهانی، تشکیل دولت اسرائیل است. آنان در راستای حمایت کامل از دولت جعلی اسرائیل، پروژه‌ی «آرماگدون» را مطرح کرده‌اند. آرماگدون نام منطقه‌ای در نزدیکی حیفای فلسطین است که در واژه نامه‌های آمریکایی به معنای نبرد نهایی حق و باطل در آخرالزمان است. بنا بر گمان صهیونیست‌های مسیحی و تفسیر آن‌ها از عهد جدید، این جنگ بزرگ در آن‌جا رخ می‌دهد که در آن، مهدی(عج) به عنوان اصلی‌ترین شخصیت ضد مسیح با تکیه بر یاران مسلمانان به جنگ با مسیح موعود و یارانش می‌رود. این دروغ بزرگ در فیلم معروف «مردی که فردا را دید» به تصویر کشیده شده است.

۲. فرقه‌های انحرافی:

برداشت‌های نادرست از آموزه‌های یک مکتب الهی، گاه به تشکیل یک جریان فکری منحرف می‌انجامد. فرقه‌های خوارج، و اسماعیله در گذشته دور؛ و بهائیت و وهابیت در قرون اخیر از این نمونه‌اند. فرقه‌های انحرافی با گرایش به عقیده‌های باطل به مقابله با عقاید صحیح مکتب اسلام پرداخته‌اند. در این مسیر، استکبار جهانی و دشمنان بیرونی اسلام، با حمایت گسترده از فرقه‌هایی مانند بهائیت و وهابیت، آن‌ها را در راستای اهداف شومشان یاری کرده‌اند.

۳. دگراندیشان

اصول و مبانی دینی و احکام اسلام و قرآن، مبتنی بر وحی و نشأت گرفته از کلام خدا و پیامبر(ص) است. بدیهی است تفسیر و تبیین این معارف، به دانشی وسیع و آشنایی عمیق با مبانی قرآنی و حدیثی نیاز دارد. با کمال تأسف باید اعتراف کنیم که در طول تاریخ اسلام، پیوسته تفسیرهای نادرستی از تعالیم دینی در جامعه اسلامی وجود داشته است. به ویژه در تاریخ معاصر، جریان‌های به اصطلاح روشن فکر با انگیزه هماهنگ سازی آموزه‌های اسلامی و قرآنی با ایده‌های دنیای جدید، به این راه گمراه کننده روی آورده‌اند که محصول آن، نفی و انکار بعضی از اصول اسلام مانند وحی و نبوت و یا دست کم تحریف بعضی از حقایق شده است.

۴. مستشرقان

اندیشوران غربی را که درباره‌ی ادیان و مکاتب شرقی به ویژه اسلام تحقیق می‌کنند میتوان به دو دسته تقسیم کرد؛ گروهی مانند هانری کرین فرانسوی به سبب دغدغه علمی و آگاهی از

از ابتدای آفرینش آدم، تقابل حق و باطل و نبرد خیر و شر وجود داشته است. شیطان به عنوان مظهر کامل بدی و شر، پیوسته با سعادت و کمال آدم، مخالفت کرده، برای سقوط نسل بشر تمام تلاش خود را به کار بسته است. این جنگ و ستیز در دوره غیبت امام عصر (عج) نیز با قوت بیشتر و البته با طرح‌ها و روش‌های پیچیده تری ادامه یافته است و تا روزگار ظهور در قالب دجال و سفیانی خواهد بود.

امروز از وظایف بسیار مهم مهدی یاوران، شناخت طرح‌ها و شیوه‌های مهدی ستیزان در این مبارزه است، تا اهداف زیر تأمین شود:

الف: حفظ و حراست از گوهر ناب مهدویت و فرهنگ صحیح انتظار و آرمان موعود و جلوگیری از تحریف و تحریف آن.

ب: شناسایی و عملیاتی کردن راه‌های مقابله با مهدی ستیزان و طرح‌های خائنانه آن‌ها.

ج: مراقبت از ایمان و باور دوستان و منتظران مهدی (عج) تا ناخواسته و ندانسته در زمره‌ی مهدی ستیزان قرار نگیرند.

اهداف مهدی ستیزان:

دشمنان مهدویت در عرصه ستیز با این حقیقت قرآنی به دنبال سه هدف عمده هستند:

۱. انکار مهدی یا دست کم سست کردن عقیده به مهدی(عج) و امامت او؛

مهدی ستیزان تلاش می‌کنند تا با ابزار مختلف، مهدویت را یک خیال و خرافه معرفی کنند که هیچ دلیل و مدرکی برای اثبات آن نیست، و اگر از این هدف ناتوان ماندند، حداقل سیمای مهدی و مهدویت را مخدوش کرده‌اند.

۲. نفی آرمان مدینه فاضله مهدوی و حکومت جهانی توحیدی؛ مهدی ستیزان می‌کوشند آرمان بزرگ مسلمین و به ویژه شیعیان را که امید به ظهور نزدیک حجت خدا و تحقق حکومت عدل الهی بر سراسر زمین است، از بین ببرند و به جای آن، ناامیدی و انفعال در برابر سلطه مستکبران و تسلیم در مقابل زیاده‌خواهی آنان را ترویج کنند.

۳. تغییر و تبدیل هنجارها و ارزش‌های مکتبی؛

هدف دیگر دشمنی با مهدویت، از بین بردن هویت دینی و مکتبی اهل ایمان و تغییر ساختار رفتاری ایشان است. دشمنان می‌کوشند با نفی مهدویت یا تحریف جریان مهدی باوری و انتظار، تعهد و پایبندی منتظران به مذهب و آموزه‌های مذهبی را از بین برده یا سست کنند.

گناه؛ خداحافظ امام زمانم

همه هست آرزویم که ببینم از تو رویی
 چه زیان تو را که من هم برسم به آرزویی؟^۱
 مهربانم، خوبم! هر روز بلا تکلیف تر از دیروزم!
 به راستی نمی دانم منتظرت مانده ام یا خودم را به
 انتظارت زده‌ام...
 شب ها و روز ها را از دیده می گذرانم، جهالت بشری مرا به
 گناهان وا می دارد و هیچ یادت نیستم!
 آنگاه که ظلمت گناه را به جان می خرم، هیچ یادت نیستم...
 آنگاه که دلی می رنجانم، هیچ یادت نیستم...
 آنگاه که کفران نعمت میکنم...
 آنگاه که چشمانم را به روی مظلوم می بندم...
 آن لحظه ای که دیگران را به سخره و اهانت می گیرم...
 آن جا که ظلم میشنوم و سکوت میکنم...
 هیچ به یادت نیستم...
 ولی غروب جمعه دلم عجیب هوایت می کند...
 عجب رویی دارم!
 به راستی چرا بیایی؟ به کدامین دلخوشی؟!
 به هوای روی سیاه مان بیایی؟ یا به خاطر دست های خالی
 مان و یا برای این قلب های تاریک؟!
 می دانم!
 خوب می دانم که رویمان سیاه و دست هایمان خالی
 است...
 قلبمان روز به روز تاریک تر میشود...
 می دانم تنها نیاز است که مرا به خواندنت وادار می کند...
 می دانم...
 مهربانم!
 هرگاه صدایت زدم نه به روی سیاهم بنگر و نه به
 دست های خالی ام.
 فقط بغضم را بشنو...
 بیا! تنها به خاطر بغض هایم بیا...
 می دانم آمدنت در گرو ترک گناهانمان است
 خوب درک می کنم با هر گناهم چشمانت غمگین می
 شوند.
 مهربانم! می دانم هر روز دعایم می کنی و با همه ای این ها
 باز هم من...
 آقای من...
 این دنیا پر شده است از گناهان ما و ما پر شده ایم از
 دلتنگی تو و تو سرشار از مهربانی هستی...
 ببخش بر ما و دعایمان کن...
 همیشه هستی و از بدرمی درخشی و می رسی از کعبه و
 کوفه همین تهران است که بار اول می آیی و ذوالفقار را
 باز می کنی و ظلم را می بندی.
 همیشه منتظرت هستم ای عدل وعده داده شده^۲

سیده سارا صادقی

۱ شاعر: فصیح الزمان شیرازی
۲ شاعر: طاهره صفار زاده

مدعیان دروغین مهدویت (بخش دوم)

توسعه فرقه گرایی در جامعه ایران با هر انگیزه و هدفی، یکی از مهم ترین آسیب هایی است که فرهنگ اسلامی- ایرانی را تهدید می کند و غفلت از این مسئله می تواند نتایج جبران ناپذیری در پی داشته باشد.

فرقه ها را می توان از مناظر و جهات مختلف ارزیابی کرد و آن ها را به انواع مختلف تقسیم نمود. یکی از این جهات، جهت اعتقادی است که فرقه ها از این نظر به چند بخش تقسیم می شوند: فرقه هایی که منتسب به یک دیانت هستند؛ مثل فرقه وهابیت که منتسب به مذهب اهل تسنن است یا فرقه ی بابیت در مرحله اولیه و یا فرقه شیخیه که به مذهب تشیع و دین اسلام منتسب می شود. برخی فرقه ها هم مستقل هستند و از آغاز کار یک راه مجزایی را برای خودشان انتخاب کرده اند؛ مثل فرقه بابیت که مستقل از اسلام عمل می کند و احکام و عقایدش متفاوت است. حالا اینکه چقدر مبنا دارد بحث دیگری است ولی اینکه تلاش کرده متفاوت باشد او را در زمره فرقه هایی قرار می دهد که مستقل از ادیان قبلی هستند.

از جهات سیاسی هم فرقه ها به دسته های مختلف تقسیم می شوند. البته ذات همه ی فرقه ها سیاسی است ولی برخی فرقه ها به طور علنی رفتارهای سیاسی از خودشان بروز می دهند ولی برخی فرقه ها ترجیح می دهند در حاشیه باشند و در اجتماع حضور نداشته باشند و از سیاست هم کناره می گیرند؛ مثل فرقه های عزلت گرایی که در نقاط مختلف دنیا حضور دارند و گروه های مختلفی در این زمینه فعالند.

فرقه ها از نظر اقتصادی هم قابل تقسیم بندی هستند. برخی فرقه ها به صورت جدی و صریح در عرصه های اقتصادی ورود می کنند ولی برخی فرقه ها سعی می کنند حداقل به صورت ظاهری نمای متفاوتی از خودشان بروز دهند.

با تمام این حرف هایی که زده شد واقعاً تقسیم بندی کردن فرقه ها کار مشکلی است. به دلیل اینکه فرقه ها بر اساس یک مبنا و معیار مشخصی عمل نمی کنند و بر اساس دیدگاه های رهبران خود که متأثر از شرایط زمانی و مکانی است عمل می کنند؛ لذا ممکن است در یک مقطع زمانی ادعایی داشته باشند و بگویند ما این رفتار را انجام می دهیم یا انجام نمی دهیم و در مقطعی دیگر کاملاً عکس آن عمل کنند؛ یعنی در یک بستر زمانی و مکانی کاری را انجام بدهند و در بستر زمانی و مکانی دیگر کار دیگری انجام دهند.

لذا به رغم اینکه فرقه ها قابل تقسیم بندی هستند اما این تقسیم بندی ها نمی تواند چندان پایدار و دقیق باشد.

ممکن است تکرر فرقه ها یک امر طبیعی و نتیجه اختلاف سلیقه و اقتضات جوامع بشری باشد یا یک امر برساخته است و افرادی مغرضانه این اقدام را انجام دهند

یعنی برخی فرقه ها به دلیل اختلاف سلیقه ها شکل می گیرد. مثلاً بعد از مرگ شوقی افندی اختلاف نظری که بین ادیان امرالله و میسون ریمی اتفاق افتاد بهائیان را به دو دسته بهائیان بیت العدلی و بهائیان ارتودوکس تقسیم کرد. این امر ناشی از اختلاف نظری بود که در تعیین ولی امر داشتند. در عین حال برساختگی و نقش آفرینی برخی جریانات در تکرر فرقه ها هم امری کاملاً بدیهی است و اتفاق افتاده است. اگر به دوران مشروطیت و دوران قبل از مشروطیت نگاه کنید دولت انگلیس در ایجاد خیلی از فرقه های صوفیه در ایران و تکثیر آن ها برای تضعیف نهاد مرجعیت دینی اقدام می کند. این امر با حمایت از جریانات صوفیه و بهائیت و شیخیه و حمایت از جریان اسماعیلیه اتفاق افتاد. فرقه اسماعیلیه از دوران حسن صباح در یک کمای تاریخی طولانی مدت فرو رفته بود و هرچند پیروانی داشت اما خیلی هیجان و خلجانی در اجتماع نداشت اما در دوران قاجاریه یکباره این جریان پا گرفت و بعد علیه دولت مرکزی قیام می کنند و مورد حمایت صریح دولت انگلستان قرار می گیرند تا جایی که پیشوای آن ها یعنی آقا خان از سوی دولت انگلستان لقب پرنس می گیرد. این نشان دهنده این است که نقش آفرینی دولت های مختلف و جریانات مختلف در تکرر فرقه ها یک امر کاملاً بدیهی است و اتفاق افتاده است.

مریم براتی

منبع: حجت الاسلام علیرضا روزبهانی، مدیر گروه نقد فرق انحرافی مرکز تخصصی کلام و ادیان حوزه علمیه و مدیر مؤسسه مطالعات فرقه شناسی معراج (برگرفته از گفت و گوی ایشان در خبرگزاری مهر- گروه دین و آئین- مصطفی شاکری)

سردبیر: محمدرضا محمدپور / مدیر مسئول: فاطمه محمدزاده / ویراستار: فاطمه محمدزاده

هیأت تحریریه: رضا امینی، الهام فدایی، محمدرضا محمدپور، مریم براتی، سیده سارا صادقی، سینا شعاعی

پل ارتباطی: mahdi_yavaran @ mahdiyavaran_uni_bir شماره تماس جهت پیشنهادات: ۰۹۳۰۳۶۷۰۴۲۷

نشریه کانون یاوران مهدی (عج) دانشگاه بیرجند
سال دوم / شماره سه / مرداد ۱۴۰۰

